

## دیدگاه: نگاهی به رابطه بین تورم و نقدینگی



نقدینگی یا به عبارت صحیح‌تر، حجم پول، مجموع پول و شبه‌پول است. نقدینگی به معنای مجموع اسکناس‌ها و مسکوکات و سپرده‌های دیداری در یک کشور است. تفاوت نقدینگی با حجم پول یک کشور، در سپرده‌های غیر دیداری افراد نزد بانک‌هاست.

رشد پول و نقدینگی در دهه‌های اخیر روندی افزایشی و بی‌ثبات پیدا کرده و این در حالی است که انضباط و ثبات نقدینگی شرط اصلی ثبات اقتصادی به کشور محسوب می‌شود. اهمیت ثبات و انضباط نقدینگی به حدی است که در برنامه‌های تعدیل ساختار، هم هدف و هم شاخص ارزیابی و هم ابزار دستیابی به اهداف دیگر قلمداد می‌شود.

روند خلق پول و خلق نقدینگی در دولت‌های مختلف همواره به دلیل عدم هماهنگی هزینه‌ها و درآمدها، به طرز سریعی در حال افزایش بوده است. در سال‌های اخیر به دلیل کسری بودجه مضاعف در دولت‌های دهم و یازدهم، خلق پول توسط بانک مرکزی راه آسان اما پرروری بوده که دولت‌ها انتخاب کرده‌اند و نتیجه آن افزایش بی‌حد و حصر نقدینگی در اقتصاد بوده است. هر واحد خلق پول توسط بانک مرکزی به واسطه ضربی به نام ضریب فزاینده، پنج تا شش برابر می‌شود و حجم نقدینگی موجود در اقتصاد را به سرعت بالا می‌برد. تنها یکی از آثار این فرآیند بروز تورم در اقتصاد است.

یکی از مشکلات اصلی اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر، پدیده تورم بوده و صرف نظر از آثار و پیامدهای آن، یکی از مهمترین مباحث تورم، بحث عوامل ایجادکننده آن است. نظریه مقداری پول، همبستگی بلندمدت قوی را میان رشد نقدینگی و تورم پیش‌بینی می‌کند؛ به این معنا که رشد پیوسته و زیاد حجم پول در اقتصاد موجب ایجاد تورم بالا می‌شود. بر این اساس نیز کنترل حجم پول به عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاست‌های پولی بانک مرکزی به منظور مهار تورم شناخته می‌شود.

این روند در دولت فعلی کار را به جایی رسانده که به نظر می‌رسد کار از کنترل دولت خارج شده است و در طول کمتر از دو سال حجم پول و به تبع آن نقدینگی خلق شده در این دولت معادل کل چهار سال دولت دهم است. خلق پول با این سرعت بالا باید به صورت مداوم رصد شود، چرا که نشان‌گر سرعت بالای خلق پول بدون پشتوانه است؛ پول بدون پشتوانه‌ای که هیچ معادلی در بخش واقعی اقتصاد ندارد و کالاها و خدمات به هیچ وجه نمی‌توانند با این سرعت خلق شوند. همان‌گونه که گفته شد نتیجه این اتفاق چیزی جز تورم نیست.

به علاوه خلق پول بدون پشتوانه در نگاه دقیق‌تر ربا است؛ چرا که خلق از عدم است و برای خلق هر یک واحد پول که با یک واحد از کالاها و خدمات در اقتصاد هم ارزش خواهد شد، هیچ زحمتی کشیده نمی‌شود و در مقابل کالاها و خدمات در اقتصاد با زحمت تولید شده‌اند و دارای ارزش ذاتی و واقعی‌اند؛ درست مانند آن چه که در ربای ساده، اضافه بر پول قرض داده شده گرفته می‌شود. هر چند در ربای قرضی، دست کم پولی قرض داده شده است! اما در اینجا بدون این که حتی پولی قرض داده شود، از اقتصاد بهره‌اخذ می‌شود؛ بهره‌اخذی که نرخ ماهانه آن معادل کل پول چاپ شده توسط بانک مرکزی در هر ماه است.

در اقتصاد ایران، نقدینگی حالت لجام‌گسیخته پیدا کرده و این مسئله خود را تا حد زیادی در تورم‌های بالا و تا حدی نیز در تورم نهفته انعکاس می‌دهد. رشد نقدینگی همچنین باعث گسترش مانده‌های سوداگرانه پولی و بخش نامولد شده است.

زمانی که از علل رشد واگرا و مستمر نقدینگی سخن به میان می‌آید، به طور معمول عدم استقلال بانک مرکزی عامل اصلی معرفی می‌شود، اما به نظر می‌رسد موضوع کمی پیچیده‌تر از این تحلیل ساده است. عدم استقلال بانک مرکزی بی‌تردید نقش موثری در این زمینه دارد، اما تاکید بیش از حد بر این نقش، مانع شناسایی تمام ابعاد و زوایای موضوع می‌شود.

صرف نظر از آثار و پیامدهای تورم، یکی از مهمترین مباحث، بحث عوامل ایجادکننده آن است. تاکنون تحقیقات گسترده‌ای در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر تورم انجام شده است که در هر یک از آنها فهرستی از متغیرهای اقتصادی به عنوان عوامل مؤثر بر تورم معرفی شده که مهمترین آنها رشد نقدینگی و افزایش نرخ ارز است.

اگرچه وجود ارتباط و همبستگی میان رشد پول و تورم، در بسیاری از مطالعات نظری و بررسی‌های تجربی اثبات شده است، لیکن شواهد موجود در اقتصاد ایران گویای آن است که در برخی دوره‌ها بین روند رشد نقدینگی و تورم ایجاد شده است.

نگاهی به تغییرات رشد نقدینگی در سالهای گذشته نشان می‌دهد این شاخص در سالهای 1392-1395 در پایین‌ترین حد خود بیش از 23 درصد بوده است. طبق آمار رشد نقدینگی در ابتدای سال 1392 تقریباً 28 درصد بود و با پشت سر گذاشتن یک مسیر کاهشی در تیر 1392 شروع به افزایش کرد. این روند جدا از نوسانات تا مهر ماه ادامه یافت و در مهر 1393 با کنترل آن توسط دولت رو به کاهش گذاشت. با این حال در ابتدای سال 1394 نرخ رشد نقدینگی بنای افزایش نهاد و با سپری کردن مسیر صعودی در شهریور ماه به 33.5 درصد رسید؛ اما در مهر ماه به 23.8 درصد کاهش یافت.

تحولات صورت گرفته در بخش ارزی در سال 1390، نوسانات و محدودیتهای نقل و انتقالات ارزی، تشدید تحریم‌های اقتصادی و افزایش قیمت حامل‌های انرژی همگام با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها باعث شد که تورم روند افزایشی را در سال 1390 طی کند؛ به طوری که در سال 1390 با 9.1 درصد افزایش به 21.5 درصد رسید. در سال 1391 با ادامه افزایش نرخ ارز که از نیمه دوم سال 1390 آغاز شده بود، نرخ تورم مجدداً با روند فزاینده‌ای همراه شد؛ به گونه‌ای که نرخ رشد متوسط 12 ماهه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از 21.6 درصد در فروردین به 30.5 درصد در اسفند 1391 افزایش یافت. این روند افزایشی در سال 1392 نیز ادامه داشت، بطوریکه از 32.3 درصد در فروردین ماه این سال به 40.4 درصد در مهر ماه رسید. لیکن از آبان همان سال روند نرخ تورم با کاهش روبرو بوده است. با تدام این روند کاهشی و با کاهش 19.7 درصدی تورم تولیدکننده در سال 1393 در مقایسه با سال 1392 (از 34.5 به 14.7 درصد)، کاهش انتظارات تورمی، انضباط پولی، انضباط در بودجه و ثبات در نرخ ارز، نرخ تورم با 19.1 واحد درصد کاهش به 15.6 درصد در اسفند 1393 رسید و در اسفند 1394 با وجود افزایش رشد نقدینگی، نرخ تورم به 11.7 درصد کاهش یافت.

نگاهی به وضعیت تورمی نشان می‌دهد رشد نقدینگی هر چند می‌تواند باعث تورم شود ولی این رابطه یک به یک و متناسب نیست. یعنی ممکن است نرخ رشد دو متغیر متفاوت باشد که این به دلیل اجزای رشد نقدینگی (پایه پولی و ضریب فزاینده) بوده است؛ به طوری که هر گاه عامل رشد نقدینگی پایه پولی بوده رشد نقدینگی تأثیر بسزایی بر تورم داشته و هر گاه رشد نقدینگی در اثر رشد ضریب فزاینده بوده تأثیر چندانی بر تورم نداشته است.

### جمع‌بندی:

به طور خلاصه می‌توان گفت که تورم در اقتصاد ایران یک پدیده پولی به شمار می‌رود.

لازم به ذکر است نقدینگی صرفاً عامل اصلی تورم در ایران نیست، ولی می‌توان آن را یک متغیر بسیار تأثیرگذار در تورم دانست.

با نگاهی دقیق به تحولات ایجاد شده در اجزای نقدینگی می‌توان درک بهتری از تحولات اقتصادی در طی سالهای گذشته داشته باشیم.

طبق نظریه‌های مقداری پول در شرایطی که میزان فعالیت‌های اقتصادی و سرعت گردش پول ثابت بماند، می‌تواند نوعی رابطه مستقیم بین رشد نقدینگی و تورم وجود داشته باشد. در شرایطی که

سرعت گردش نقدینگی به دلیل افزایش سهم شبه پول در سالهای اخیر کاهش یافته ، از اثرگذاری مستقیم افزایش نقدینگی بر تورم کاسته شده است که این به معنی تغییر در رابطه تورم و رشد نقدینگی نیست بلکه گسست آنها در سالهای اخیر به دلیل تغییر اجزای رشد نقدینگی بوده که در اثر تغییر در سود واقعی سپرده ها اتفاق افتاده است.

فرشاد قاسمعلی

کارشناس مالی و بانکی

ایسنا